

مردم رود زیبای جنوبی دست  
بدامان دولت استعمارگر بریتانیا  
شده اند که ما را در بردگی و بندگی  
خودتان نگاهدارید و نگذارید بان-  
اسمیت، یاغی و ستمگر و همدمستان  
سفیدپوست او بر ما حکومت کنند .  
عالیجناب پاپ در تمام شش  
هفت سالی که جنایات تبعض  
نژادی پنج میلیون صاحبان  
مملکت را بصورت بنده و برده  
معدودی سفید پوست در آورده و  
تمام تلاش و کوشش کشورهای  
آفریقائی در نجات هم زنجیرهای  
خود عقیم مانده ساکت و آرام و  
خاموش و بی تفاوت مانده و تنها  
عکس العملی که قاره آفریقا می-  
توانسته در مقابل نژاد پرستان  
متعدی و غارتگر نشان دهد اظهار  
ناراحتی کرده و باصل برابری و  
برادری انسانها و دفاع از حقوق  
بشراستناد کرده است.

عجیب است محروم شدن  
تعدادی سفید پوست مهاجم و  
متجاوز از شرکت در بازیهای  
المپیک در بارواتیکان را بیاد آید  
کتاب مقدس انجیل انداخته ،  
لکن جنایات طبقه حاکمه آفریقای  
جنوبی و رودزیا، و استعمارگران  
پرتغالی علیه میلیونها آدمی که  
ساحبان اصلی و شرعی سرزمین  
خود و اکثرشان هم مسیحی هستند  
مطلقاً نتوانسته سکوت و آرامش  
دربارواتیکان را برهم زنند! (۱)

آنها پایان بخشیده لکن در رودزیا  
قبل از اینکه برنامه استقلال عمل  
شود یکدسته سفیدپوست و انگلیسی-  
الصل، که زمان سلطه استعماری  
انگلستان بر مواضع حساس  
سیاسی و اقتصادی مسلط بودند به  
رهبری «یان اسمیت» معروف، یک-  
طرفه و علی رغم رضای مردم بومی  
و صاحبان اصلی مملکت اعلام  
استقلال کردند، و این عده با  
منحصر کردن تمام مزایای زندگی  
و منابع ثروت و مواهب طبیعت به  
چهارصد هزار سفیدپوست مهاجر و  
مهاجم امروز مالک الرقاب چهار  
ملیون و نیم مردم بومی و  
صاحبان اصلی این سرزمین  
شده اند.

بهمین دلیل است که مردم  
رودزیا برخلاف تمام ملتهای مستعمره  
که خواهان استقلال بودند و هستند  
استقلال را نمی خواهند و ترجیح  
میدهند که ما کان مستعمره باشند!!  
آیا فکر میکنید این چهار-  
پنج میلیون آدمی معنی استقلال را  
نمی فهمند و از بندگی خوششان  
می آید؟

نمی گویند در جهنم «عقر بی»  
است که دوزخیان از وحشت آن به  
مارغاشیه پناه می برند بقول شاعر  
عرب «نستجیر من الرضاء عالی النار»  
از حرارت و سوزندگی دیگهای  
داغ و سرخ شده بخود آتش پناه  
می بریم!

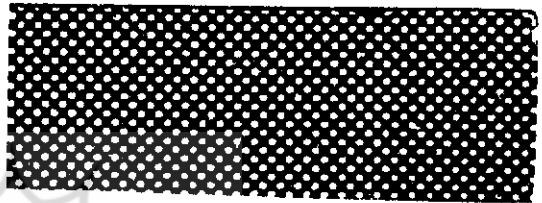
ملتهای اروپائی از دنیای سوم و  
خاصه از قاره سیاه بوده و در هم  
ریختن این نظم کهن که در نظر او  
طبیعی و مشروع بوده تحمل  
ناپذیر است بنابراین مقاومت  
شدید و چهره دژم او در مقابل  
تهدید نمایندگان کشورهای  
آفریقائی عجیب نیست .

ولی از پاپ جز این انتظار  
میرود عالیجناب پاپ خود را پیرو  
تعالیم مسیح و جان نشین و نماینده این  
پیمبر مرسل و عالیقدر میدانند  
که دولت استعماری بریتانیا  
در قرن نوزدهم با زور اسلحه و  
تکنیک پیشرفته آلات و ادوات  
جنگی ، و سرپوش ریاکارانه  
تبلیغات روحانی و دینی ، و سپس  
خیمه و خمرگاه تجارتخانه و  
شرکتهای مالی و اقتصادی ،  
به سرزمین آبا و اجدادی چند  
چند میلیون سیاه پوست آرام  
و بی آزار تاخته ، و خرد خرد  
نفوذ کرده ، و بتدریج تمام منابع  
طبیعی و ثروت این ملت را تصاحب  
کرده و صاحبان آنرا به بندگی  
گرفته است .

عالیجناب پاپ میداند که  
رودزیا از سایر مستعمرات بریتانیا  
مظلوم تر و سیاه رو تر است زیرا  
انگلستان از بقیه آنها بتدریج و  
باجبر زمان الزاماً رفع ید کرده،  
و بسا اعطای استقلال به سلطه  
استعماری خود نسبت به یکایک

# موجبات نزول آیات

آیا بررسی شأن نزول آیات  
برای فهم معانی آنها ضروری  
است ؟



قرآن ، شأن نزول و انگیزه‌ها و موجبات نزول آیات مربوطه را بر شمرده اند ، بلکه کتب مستقل و مفصلی نیز تدوین نموده‌اند که قدیمی‌ترین آنها از علی بن مدینی (۱) استاد بخاری است و مشهورترین آنها اسباب النزول ، واحدی نیشابوری است که بارها چاپ شده است .

عبدالرحمن سیوطی میگوید :

جعفری این کتاب را خلاصه کرده ، اسانید آن را حذف نموده و چیزی بر آن نیفزوده است و نیز تألیفی را در این باره برای ابن حجر ، ذکر می‌کند و همچنین برای خود کتابی را بنام «لباب النقول فی اسباب النزول ، اسم میبرد و آنرا می‌ستاید (۲)

برخی از آیات قرآنی که بر پیامبر اکرم (ص) نازل گردیده ، بدون هیچگونه موجب و زمینه خاصی ، ابتدا و تنها بمنظور ارشاد و هدایت مردم صورت گرفته است و باره‌ای دیگر از آیات از جهت نزول ، با حوادث و وقایعی که در خلال مدت دعوت اتفاق افتاده ، ارتباط داشته و عبارت دیگر زمینه خاصی سبب شده است تا حکمی بیان گردد و آیه‌ای نازل شود .

این زمینه‌ها را که موجب نزول سوره یا آیه مربوطه میباشد «اسباب نزول» میگویند و گاهی بعنوان «شأن نزول» نام برده میشود. در این باره نه تنها مفسرین در کتابهای تفسیر

(۱) ابوالحسن علی بن عبدالله بن جعفر السعدی متوفی ۲۳۴- تذکرة الحفاظ ۱۶۰۱۵۰۲

(۲) اتفاق / ۱۳ / نوع ۹ / ص ۲۸- البرهان فی علوم القرآن / ۱۳ / ص ۲۲

را ابراز نمیداشتند .

سبب نزول این آیه اینست که پس از تحریم قلمی شراب عده‌ای از اصحاب نزد رسول خدا (ص) آمدند و از آن حضرت پرسیدند : تکلیف یاران ما که در بدر واحد مجاهدت کردند و بخدا و رسول و روز رستاخیز ایمان داشتند و شاید بعضی از آنها قبل از نزول حکم تحریم به این عمل آلوده شده‌اند ، چیست ؟ بدینجهت آیه نازل شد که بر آنچه رفته است گناهی نیست (چون هنوز این حکم نازل نشده بود واحکام تدریجاً نازل شد)

از جمله موضوعاتی که در معرفت شأن نزول ، توجه بان لازم است ، شناختن موارد ویا نفراتی است که برای آنها آیه یا سوره‌ای نازل گردیده که بعضی از آن آیات جنبه اختصاصی داشته و برخی از آنها جنبه‌ی عمومی دارد ، چنانکه بعضی از احکام مربوط به زوجات رسول اکرم (ص) اختصاص بخود آنها داشته و بدیگران مربوط نیست ، مانند منع ازدواج آنها پس از رحلت رسول خدا بادیگران و بعضی دیگر از احکام ، هر چند در باره شخص بخصوصی نازل شده باشد ، جنبه عمومی داشته و دیگران نیز موظف هستند از آن پیروی نمایند ، مانند آیات «لعان» که اگر چه درباره «علاء بن امیه» نازل شده ولی حکم آن برای دیگران نیز لازم الاجراء است . و نیز آیه «طهاره» درباره نرجه «ثابت بن قیس» یا «سلمة بن صخر» نازل شده دلی اجرای حکم آن برای همه مسلمانان لازم و حتمی است . و همچنین آیه «کذابه» در شأن

درفارسی نیز کنایهائی درباره شأن نزول آیات نگاشته شده که از جمله آنها کتاب «شأن نزول آیات قرآن» است که در مهر ماه ۱۳۳۴ چاپ شده است و کتاب «نمونه بینات در شأن نزول آیات» که به مناسبت کنگره هزاره شیخ طوسی در دانشگاه مشهد در اسفند ماه ۱۳۵۰ بچاپ رسیده است .

\*\*\*

آگاهی از تفسیر آیات بدون شناسائی سبب نزول و شرح آن ، مشکل خواهد بود ، بلکه باید گفت که بیان شأن نزول و شرح سبب آن وسیله مؤثری است برای فهم معانی قرآن ، زیرا شناخت شأن نزول و وقایع مربوط بان در راه فهم حقائق قرآن کمک بسیار مؤثری است .

حتی .... « این تمییه » میگوید : « شناسائی اسباب نزول ، به فهم آیه کمک میکند ، زیرا علم به سبب موجب علم به مسبب است . »  
واحدی میگوید : « تفسیر آیه ممکن نیست جز اینکه داستان آن و بیان نزولش را بدانیم » و نیز ابن دقیق چنین اظهار نظر میکند :

« شناسائی اسباب نزول ، راهی استوار برای فهم معانی قرآن است » (۳)  
بنابینقل سیوطی ، احمد و نسائی روایت کرده‌اند که « عثمان بن مظعون » و « عمرو بن معدیکرب » سابقاً خیال می‌کردند که شرب خمر حرام نیست و برای اثبات عقیده خویش آیه شریفه : « لیس علی الذین آمنوا و عملوا الصالحات جناح فیما ضموا ... » (۴) را شاهد می‌آوردند و حال آنکه اگر آن دو نفر نزول این آیه را میدانستند هیچگاه چنین عقیده فاسدی

(۳) اتقان / نوع ۹ / ص ۲۸

(۴) ماده ۹۳ : گناهی نیست بر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای نیک کرده‌اند در آنچه چشیده‌اند ...

«جابر بن عبدالله انصاری» نازل شده ولی حکم آن مربوط به تمام مسلمانان است.

زمخشری میگوید: «سوره همزه» اگر چه درباره سبب خاصی نازل شده ولی تهدید به عذاب آن، جنبه عمومی دارد... (۵)

و نیز عین همین نظر درباره آیاتی خواهد بود که جنبه مدح یا مذممت نسبت به شخص واحد یا افراد متعدد دارد، تعدادی از آیات بعنوان مدح درباره افراد بخصوص نازل گردیده که برای دیگران باید بعنوان سرمشق مورد توجه قرار گیرد مانند برخی از آیات سوره «دهر» که در شأن امام علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا سلام الله علیهما نازل گردیده است. و تعدادی دیگر بعنوان مذمت و توبیخ درباره نفرات معینی فرورفته شده که باید برای دیگران مایه عبرت باشد. مانند آیات سوره قبت که در باره ابولهب و مذمت از او و همسرش است...

\*\*\*

برای بهتر شناختن شأن نزول آیات، راهی بجز روایات صحیح نیست.

واحدی میگوید: «گفتگو و بحث پیرامون اسباب نزول قرآن، روانیست مگر به روایت و شنیدن از کسانی که خود شاهد مورد نزول بوده اند...» (۶) با اینکه در این باره کتابهای زیادی نوشته شده ولی هنوز بطریق قطع و روشن نمی توان گفت که هر آیه ای از قرآن سبب نزولش چه بوده است؟ دانشمندان گذشته نیز در این باره بسیار سختگیر

بوده اند، محمد بن سیرین میگوید: درباره آیه ای از عبیده سؤال کردم. پاسخ داد: از خدا بقرس و سخن راست و استوار بگو، آنها که میدانستند قرآن در چه باره نازل شده، در گذشته اند (۷) یکی از دانشمندان و صاحب نظران بزرگ شیعه درباره روایات «اسباب نزول»، چنین اظهار نظر می کنند:

«گروه انبوهی از صحابه و تابعین در صدر اسلام به ضبط و روایت اسباب نزول همت گماشته و اخبار بیشتری در این باره نقل نموده اند. این روایات از طرق اهل سنت بسیار زیاد است و بچندین هزار روایت میرسد و از طرق شیعه اندک و شاید از چند صد بیشتر نباشد، البته همه روایات نه تنها مسند و صحیح نیست، بلکه بسیاری از آنها غیر مسند و ضعیفند.»

تتبع در این روایات و تأمل کافی در اطراف آنها، انسان را نسبت به آنها بدبین میکند. اولاً از سیاق بسیاری از آن پیدا است که راوی ارتباط نزول آیه را در مورد حادثه و واقعه بعنوان مشافه بدست نیآورده بلکه جریان را حکایت میکند، سپس آیه ای را که از جهت معنی مناسب جریان است با آن ارتباط میدهد و در نتیجه سبب نزولی که در حدیث ذکر شده، سبب نظری و اجتهادی است نه سبب نزولی که از راه مشاهده و ضبط بدست آمده باشد. گواه این سخن اینکه در خلال این روایات تناقض بسیار بچشم میخورد، بدین معنی که معمولاً

(۵) تفسیر کشاف بنقل: شأن نزول آیات صفحه ۱۰ مقدمه

(۶) اسباب النزول: ۴۰۳

(۷) اتفاق ر ج ۱ ص ۳۱ - تاریخ قرآن - دکتر محمود رامیار ص ۲۸۶

و این قدغن تا آخر قرن هجری یعنی تقریباً نود سال ادامه داشت. این (۸) رویه، راه نقل بمعنی را بیش از حد ضرورت بروی محدثین باز کرد و تمییراتی که هر مرتبه در نقل روایت پیش می‌آمد، کم کم روی هم متراکم شده و گاهی اصل مطلب را از میان میبرد و این معنی بامراجعه به مواردی که در یک داستان از طرق مختلفه وارد شده است، بسیار روشن می‌باشد ...

وقتی که شیوع جعل و تحریف و مخصوصاً دخول اسرائیلیات و آنچه از ناحیه منافقین که شخصاً شناخته نمی‌شدند، ساخته شده و داخل روایات گردیده است به مسئله نقل بمعنی و آنچه در اشکال اول ذکر شد اضافه شود، اعتمادی به اسباب نزول باقی نخواهد ماند ...

اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که معارف، همیشگی و جهانی می‌باشند نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی به روایات اسباب نزول ندارند. (۹) ولی با این حال باز هم مفسران از بررسی شأن نزولها بی‌نیاز نیستند.

دردیل هر یک از آیات مربوطه چندین سبب نزول متناقض نقل شده که هرگز با هم جمع نمیشوند، حتی گاهی از یک نفر مانند ابن عباس، در یک آیه چندین سبب نزول روایت شده است.

تناقض در این قبیل روایات را تنها از دورا می‌توان توجیه کرد. یا باید گفت: شأن نزول نظری هستند و هر یک از روایان، آیه را بیکى از قسه‌های مناسب ارتباط داده یا باید گفت: همه روایات یا بعضی از آنها جملی و ساختگی است. با تحقق چنین احتمالاتی روایات مربوط به شأن نزول آیات، اعتبار خود را از دست خواهد داد و از این روی حتی صحیح بودن خبر از جهت سند نیز سودی نمی‌بخشد، زیرا صحت سند احتمال کذب رجال را از میان میبرد و یا تضعیف مینماید ولی احتمال دستبرد و یا اعمال بنظر و اجتهاد در جای خود باقی است.

ثانیاً از راه نقل بثبوت رسیده که در صدر اسلام مقام خلافت از ثبوت حدیث و کتابت آن شدیداً مانع بود و هر جا ورقه‌ای که حدیثی بر آن نوشته شده بود، بدست می‌آوردند توقیف کرده، میسوزانیدند

(۸) این ممنوعیت مربوط به محدثان اهل تسنن است ولی شیعه پس از درگذشت رسول اکرم به پیروی از علی (ع) احادیث اسلامی را ضبط نموده‌اند و هیچگاه در تاریخ شیعه ضبط احادیث ممنوع نبوده است.

(۹) قرآن در اسلام اسناد علامه طباطبائی ص ۱۰۳